

عنوان مقاله:

تفاوت هوشبهر هیجانی مادران کودکان دبسته ایمن و مادران کودکان دبسته نایمن

محل انتشار:

فصلنامه خانواده پژوهی، دوره 3، شماره 2 (سال: 1386)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

زهرا یوحنايي - کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

محمدعلی مظاهری - دانشگاه شهید بهشتی

حمیدرضا پوراعتماد - دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

این پژوهش با بهره گیری از مبانی نظری نظریه دبستگی، به جهت تعیین و تبیین یکی از عوامل احتمالی موثر در شکل‌دهی تحول دبستگی طرح شده است. منابع داده های موجود، پرسشنامه هوش هیجانی بار آن و فرایند موقعیت ناآشنا هستند. صد تن از مادران کودکان یک‌ساله، به منظور تفکیک مادران به دو گروه مادران کودکان ایمن و مادران کودکان نایمن، همراه با فرزندان‌شان در فرایند موقعیت ناآشنا شرکت جسته، به پرسشنامه بار- آن پاسخ دادند. نتایج مبین سه نکته اصلی است: ۱) هوشبهر هیجانی مادران کودکان ایمن بیش از گروه مادران کودکان نایمن است. ۲) در میان مولفه ها، مولفه روابط بین فردی تفاوت میانگین بیشتری را نشان داده است ۳) در میان خرده مولفه ها: همدلی، خودآگاهی هیجانی، آزمون واقعیت، شادکامی و تحمل فشار تفاوت بیشتری را در میان دو گروه مادران به نمایش گذارده است. در این میان تنها تفاوت میانگین های دو گروه در خرده مولفه انعطاف پذیری موبد فرض پژوهش نیست. به این ترتیب توانایی مادر در شناخت نیازهای دبستگی کودک، مسئولیت پذیری، همدلی و سازگاری او با این نیازها و نیز توانایی او در جهت شناخت هیجان های خویشتن، مهار و جهت دهی مناسب به این هیجان ها و استفاده از توانایی های ذکر شده در جهت تحمل فشارهای وارده از سوی مادر در شکل گیری و تحول نظام دبستگی کودک موثر می باشد.

کلمات کلیدی:

هوش هیجانی- الگوهای دبستگی- فرایند موقعیت غریبه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1273855>

